

مهاجرت کارگری، اشتغال در بازار کار غیررسمی و آسیب‌پذیری ناشی از آن*

محمود مشفق*

علی‌یار احمدی☆

ایران در نیم‌قرن اخیر به موازات تغییرات اساسی در ساختار اقتصادی-اجتماعی، حرکات مکانی جمعیتی متفاوتی را تجربه کرده است. مهاجرت کارگران برای کار در مراکز صنعتی و بخش غیررسمی بازار کار، حجم بزرگی از این حرکات مکانی جمیت را به خود اختصاص داده است.

مقاله حاضر نتیجه پژوهشی است در مورد کارگران مهاجر شهر تهران که تلاش کرده است برخی از ابعاد آسیب‌شناسانه متأثر از وضعیت مهاجرتی کارگران شاغل در بخش غیررسمی را مورد بررسی قرار دهد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که مهاجران کارگر از پایگاه‌های اجتماعی پایین و عموماً از استان‌های کمتر توسعه‌یافته به تهران مهاجرت کرده‌اند. این افراد از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و نیز ویژگی‌های جمعیتی در وضعیتی کاملاً آسیب‌پذیر قرار دارند. شرایط نامساعد مهاجرتی و اشتغال نامنظم در بخش غیررسمی تأثیرات منفی زیادی بر سلامت روانی و اجتماعی آن‌ها بر جای گذاشته است. علاوه بر این، مطالعه نشان می‌دهد در افراد مورد مطالعه شاخص‌های رضایت شغلی، رضایت از زندگی، امید به آینده و وضعیت سلامتی در سطح بسیار پایینی قرار دارند.

واژگان کلیدی: کارگران مهاجر، آسیب‌پذیری، اشتغال غیررسمی، ویژگی‌های شغلی و اجتماعی

* این مقاله بخشی از نتایج تحقیقی است که در سال ۱۳۸۵ در مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه انجام گرفته است. نگارندگان مقاله از جناب آقای دکتر امیر هوشنگ مهریار و سرکار خانم دکتر شهلا کاظمی‌پور که با مساعدت خود زمینه انجام این پژوهش را فراهم کردند، سپاسگزاری می‌کنند.
* عضو هیئت علمی مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه و دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی.

m_moshfegh@yahoo.com

ahmadi_78@yahoo.com

☆ دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران.

طرح مسئله

تقریباً از اوایل قرن نوزدهم به بعد با تغییرات بنیادینی که در زندگی بشر به دنبال انقلاب صنعتی رخ داد، نوع مهاجرت‌ها نیز شکلی متفاوت به خود گرفت. در نتیجه‌ی نیاز کارخانه‌های صنعتی به نیروی کار، مهاجرت روستاییان به شهرها با ابعاد گسترده پدیدار شد. این فرآیند در کشورهای در حال توسعه نیز در شرایط متفاوت و با کمی تأخیر رخ داده است و به موازات این جریان‌های مهاجرتی، عوامل و پیامدهای آن‌ها نیز در کانون توجه مطالعات مربوط به مهاجرت قرار گرفت.

در میان جنبه‌های بسیار گسترده پدیده مهاجرت، یکی از ابعاد خاص مهاجرت‌های روستا-شهری که اکثر کشورها با آن روبه‌رو بوده‌اند، تکوین پدیده گروه‌های کارگران مهاجر روستایی است که کم و بیش یکی از ویژگی‌های بارز جمعیتی اکثر کلان شهرهای کشورهای در حال توسعه است. گروه‌های کارگر مهاجر عموماً شامل مهاجران موقت هستند که بیشتر در بخش‌های غیررسمی فعالیت می‌کنند و وضعیت شغلی ناپایداری دارند. این گروه‌ها از لحاظ اجتماعی گروه‌های پرجمعیت هم‌زیست هستند و اغلب در محل کار خود از سکونت‌گاه‌های خوابگاهی (بیشتر اتاقکی برای خواب در محل کار) برخوردارند. از مصادیق این گروه‌ها می‌توان به کارگران ساختمانی، کارگران کارگاه‌ها (مکانیکی، نجاری و خیاطی)، میادین میوه و تره‌بار، رستوران‌ها و برخی فروشگاه‌های بزرگ، نانوايي‌ها، فضاهای سبز، پارک‌ها و گاراژها و گروه‌هایی که برای پیدا کردن کار در میدان‌های اصلی و بر سر چهارراه‌ها تجمع می‌کنند، اشاره کرد.

برخی از مطالعات در مورد گروه‌های فوق‌الذکر نشان می‌دهد که این گروه‌ها از لحاظ اجتماعی و اقتصادی بسیار آسیب‌پذیرند. این کارگران مهاجر بیشتر در بخش‌های غیررسمی به کار گرفته می‌شوند و نسبت به کارگران بومی به‌رغم ساعات کاری بیشتر و انجام کارهای سخت‌تر و خطرناک‌تر، از دستمزدهای کمتری برخوردارند. عدم امنیت شغلی و شرایط ناپایدار فعالیت موجب می‌شود که آن‌ها به منظور کسب درآمد بیشتر و تلاش در جهت فراهم آوردن حداقل پس‌انداز برای خانواده خود، که معمولاً در مبدأ زندگی می‌کنند، تن به کارهای بسیار سخت و خطرناک دهند و به لحاظ عدم برخورداری از تغذیه، بهداشت و مسکن مناسب، از نظر جسمی و روانی بسیار آسیب‌پذیرند و به دلیل بروز بیماری‌های مزمن و عدم درمان به موقع از ضریب سلامت بسیار پایینی برخوردار شوند (زنجانى ۱۳۸۰؛ کاظمی‌پور ۱۳۸۳؛ کوششی ۱۳۸۳؛ ناطق‌پور و مقصودی ۱۳۸۰).

مطالعه و بررسی وضعیت اقتصادی-اجتماعی گروه‌های کارگری مهاجر شاغل در بخش غیررسمی بازار کار به عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر در بدنه ساختار نظام اجتماعی-جمعیتی،

به لحاظ بسط و گسترش دامنه دانش موجود در زمینه مهاجرت‌های داخلی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. مطالعه و بررسی این گروه از مهاجران، به عنوان بخش وسیعی از جمعیت شاغل غیررسمی کشور با شرایط خاص و منحصر به فرد، می‌تواند در تدوین سیاست‌های مدیریت کلان شهرها، سیاست‌های کار و اشتغال، ساماندهی وضعیت شاغلین بخش غیررسمی و برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی و باز توزیع جمعیت، راهگشا و سودمند باشد.

اهداف تحقیق

اهدافی که مطالعه حاضر در پی دستیابی به آن‌هاست عبارت‌اند از:
- بررسی مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی و مهاجرتی گروه‌های مهاجر کارگر؛
- بررسی مشخصه‌های شغلی و شاخص‌های آسیب‌پذیری کارگران مهاجر شاغل در بازار کار غیررسمی و
- بررسی تأثیر مهاجرت و اشتغال در بخش غیررسمی بر مشخصه‌های شغلی، وضعیت سلامتی، رضایت شغلی و رضایت از زندگی کارگران مهاجر.

مطالعات پیشین

مهاجرت کارگری را می‌توان به دو بخش عمده تقسیم کرد؛ یکی مهاجرت کارگران ماهر و تحصیل‌کرده و دیگری مهاجرت کارگران یدی فقیر و با تحصیلات پایین. مهاجرت نوع اول بیشتر در سطح بین‌المللی و از کشورهای درحال توسعه به کشورهای صنعتی است. کشورهای صنعتی تنها مهاجران تحصیل‌کرده و با سرمایه اجتماعی بالا را، به دلیل این‌که سرمایه‌گذاری بالقوه‌ای برای جامعه مقصد هستند، می‌پذیرند (گیل^۱ ۲۰۰۰). مهاجرت نوع دوم نیز بیشتر جریانات مهاجرت داخلی را در بر می‌گیرد.

در ارتباط با نوع دوم مهاجرت کارگران، مطالعات گسترده‌ای صورت گرفته است. از جمله اندرسون^۲ (۲۰۰۲) نشان می‌دهد که الگوهای روشنی از جداسازی بین اجتماعات مهاجران و ساکنان بومی وجود دارد. آلونک‌ها و خانه‌های با شرایط بسیار بد در حال رشد، از مصادیق این فرایند هستند. او نشان می‌دهد که اجتماعات کارگری نه تنها از شرایط زندگی و کاری نامساعدتری برخوردارند بلکه از طرف جامعه شهری نیز به عنوان شهروندان درجه دوم در نظر

1. Gil

2. Anderson

گرفته می‌شوند. بسیاری از کارگران مهاجر در کمپ‌هایی که پیمان‌کاران برای آن‌ها آماده کرده‌اند، زندگی می‌کنند.

مطالعات دیگری نشان می‌دهد که کارگران مهاجر نه تنها شهرنشینان درجه دوم بلکه کارگران درجه دوم نیز محسوب می‌شوند. به عنوان مثال کارگران بومی دستمزدهای پایین‌تری دارند و احتمال کمتری وجود دارد که بر اساس قرارداد کار کنند. بیشتر آن‌ها در گروه‌های سنی ۱۵ تا ۳۴ ساله و در شرایط کار بدون استخدام قرار دارند و احتمال بیشتری برای رفتارهای پرخطر و انحرافی آن‌ها وجود دارد (فی^۱ ۲۰۰۵).

واهیونی^۲ (۲۰۰۵) در مطالعه مهاجرت دو رویکرد را معرفی کرده است، یکی رویکرد مطالعه در مبدأ^۳ و دیگری رویکرد مطالعه در مقصد^۴. روشی که به بررسی وضعیت مهاجران در مقصد می‌پردازد به روش ردیابی^۵ نیز معروف است. کالدول^۶ (۱۹۶۹) مطالعه‌ای با رویکرد ردیابی انجام داده است که در آن ابتدا وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده‌های مهاجر یک روستا مورد بررسی قرار گرفته، سپس فهرستی از اسامی افراد مهاجر تهیه شده و نحوه زندگی آن‌ها مورد مشاهده قرار گرفته است. این مطالعه نشان می‌دهد افراد بر حسب مبدأ مهاجرتی مجموعه‌های شغلی^۷ تشکیل می‌دهند. افرادی که از آبادی‌های شمالی منطقه مهاجرت کرده بودند نسبت به مهاجران از آبادی‌های جنوب منطقه، مشاغل متفاوتی داشته‌اند.

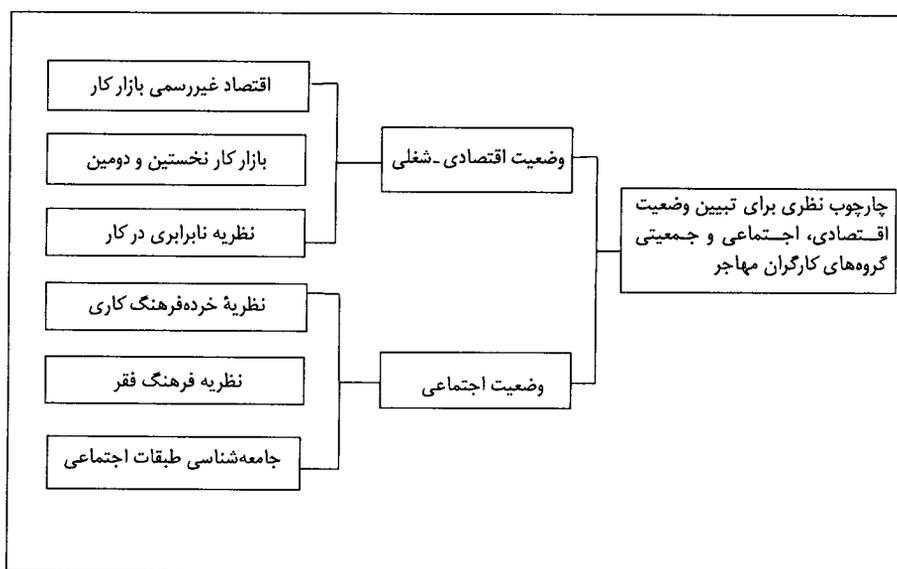
بررسی بهداشت و سلامت مهاجران نیز از جمله ابعاد دیگر مهاجرت به‌شمار می‌رود که توجه برخی دیگر از محققان را به خود جلب کرده است. از جمله محی‌الدین^۸ (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های طولی در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۷ نشان می‌دهد که مهاجرت با شاخص‌های سلامتی و بهداشتی رابطه منفی دارد. این تأثیر در میان کسانی که به صورت مکرر (بیش از سه یا چهار بار) و در فاصله‌های بیشتر و در مناطق آب و هوایی مختلف مهاجرت می‌کنند، معنادارتر بوده است. بنتام^۹ (۱۹۸۸) نیز نشان می‌دهد که بین مهاجرت و سلامت رابطه وجود دارد. او نشان می‌دهد که رابطه بین سلامت و مهاجرت بر حسب سن و فاصله مبدأ و مقصد متفاوت است.

- | | |
|----------------------------|----------------------------|
| 1. Fei | 2. Wahyuni |
| 3. Origin Based Study | 4. Destination Based Study |
| 5. Tracing Method | 6. Caldwell |
| 7. Occupational Clustering | 8. Muhidin |
| 9. Bentham | |

چارچوب مفهومی

اگرچه این پژوهش ماهیتی بیشتر توصیفی دارد، با این حال نظریات متفاوتی در قالب‌بندی آن مورد استفاده قرار گرفته است. مدل شماره ۱ به صورت خلاصه، نظریات مورد استفاده در این پژوهش را نمایش می‌دهد.

مدل شماره ۱. نظریات مرتبط با وضعیت اقتصادی، اجتماعی و مهاجرتی گروه‌های کارگران مهاجر
شهر تهران



از جمله نظریاتی که می‌تواند در تبیین وضعیت کارگران مهاجر مورد استفاده قرار گیرد، نظریه اقتصاد غیررسمی بازار کار است که به مبادلات خارج از حوزه اشتغال منظم اطلاق می‌شود. برخی کالاها و خدمات از طریق شبکه‌های اجتماعی غیررسمی تولید یا توزیع می‌شوند. اقتصاد غیررسمی به مبادله پول، کالا و خدماتی اشاره دارد که به دولت گزارش نمی‌شود. اعضای این شبکه‌ها مالیات نمی‌پردازند، کاری به قواعد و مقررات و رعایت حداقل دستمزدها ندارند و صورت دفاتر و گزارش‌های مالی خود را به دولت نشان نمی‌دهند (توکلی ۱۳۷۴).

از نقطه نظر اقتصادی، وضعیت گروه‌های کارگران مهاجر را می‌توان در قالب بازار کار نخستین و دومین نیز مورد بررسی قرار داد. بازار کار نخستین، شامل کار در شرکت‌های بزرگ یا صنایع دارای شکل، اتحادیه یا مؤسسات دولتی است. در این محیط‌ها کارگران دستمزدهای به نسبت

بالایی دریافت می‌کنند و از تأمین شغلی مناسب و امکان پیشرفت و ترفیع شغلی بهره‌مند هستند. بازار کار دومین نیز شامل شکل‌های اشتغال بی‌ثبات است و عدم تأمین شغلی و کمی دستمزدها از ویژگی‌های عمده‌ی آن به‌شمار می‌آید و فرصت‌های کمی برای پیشرفت و ترفیع شغلی وجود دارد (گیدنز ۱۳۸۰).

تفاوت‌های طبقات اجتماعی که در نظریه‌ی نابرابری در کار مورد بحث قرار می‌گیرد نیز قابل توجه است. به‌طور کلی طبقه‌ی متوسط مشاغل غیریدی را به عهده دارد اما از حقوق نسبتاً بالاتر، امنیت شغلی و استقلال بیشتر، برخوردار است. طبقه‌ی کارگر، کارهای یدی را انجام می‌دهد اما از حقوق کمتر، ناراحتی به علت زیر دست بودن و کار خسته‌کننده و تکراری رنج می‌برند. طبقه‌ی متوسط از مزایای جنبی، تعطیلات طولانی‌تر و اوضاع کار بهتر بهره می‌گیرند، در حالی که طبقه‌ی کارگر مزایای جنبی اندکی دارد (همان ۱۳۸۰).

گروه‌های کارگران مهاجر را می‌توان در قالب یک خرده فرهنگ کاری مطالعه نمود. پیر بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی در کتاب‌های متعدد خود، به‌ویژه در تمایز، نشان می‌دهد که چگونه هر یک از اقشار اجتماعی، به‌ویژه اقشار شغلی، فرهنگ خاص خود را بر اساس سبک‌های زندگی و علایق زیباشناختی خاص خود می‌سازند. چگونه می‌توان گرایش‌های ناخودآگاه و گاه خودآگاه را در جهت انسجام دادن به این سبک‌ها و سلیقه‌ها در همه‌ی زمینه‌ها (از ورزش، هنر، تغذیه، لباس و آرایش گرفته تا تمایلات سیاسی و حزبی، برداشت‌های ارزشی، دینی و اخلاقی) به کار برد (فکوهی ۱۳۸۳).

آنتونی گیدنز نیز در جامعه‌شناسی طبقات کارگری از طبقه‌ی کارگری در جوامع جدید، قشربندی ذیل را ارائه می‌دهد. طبقه‌ی اول، طبقه‌ی کارگر بالا شامل کارگران ماهر که اغلب به عنوان یک اشرافیت کارگری در نظر گرفته شده‌اند و اعضایش از نظر درآمد، شرایط کار و تأمین شغلی بر افرادی که در سایر مشاغل یقه‌آبی کار می‌کنند برتری دارند و طبقه‌ی دوم، طبقه‌ی کارگر پایین، از افرادی تشکیل شده است که در مشاغل غیرماهر که به آموزش اندکی نیاز دارند کار می‌کنند. درآمد و تأمین شغلی در بیشتر این مشاغل کمتر از مشاغل ماهر است. مشاغل این دو طبقه از لحاظ تمام‌وقت بودن و میزان تأمین شغلی که کارگران از آن برخوردارند متفاوت است (گیدنز ۱۳۸۰).

اسکار لوئیس^۱ نیز تئوری فرهنگ فقر را در قالبی عمومی مطرح کرده است که می‌توان بسیاری از پدیده‌های ملی، منطقه‌ای و گروهی را به کمک آن توصیف کرد و بسیاری از

1. Oscar Luis

ویژگی‌های فرهنگی گروه‌های کارگران مهاجر روستایی از جمله آن‌هاست. اسکار لوئیس معتقد است فرهنگ فقر بیشتر در جوامعی که به سرعت دگرگون می‌شوند و بر زندگی کسانی که در طبقات زیرین چنین جوامعی قرار دارند، حکم فرما می‌شود. آن‌ها به علت دگرگونی بسیاری که در جامعه خود می‌بینند و موقعیت پایینی که برای خویش احساس می‌کنند، تا حدودی از وضع خود و جامعه بیزار شده‌اند و احساس تعلق به جامعه خود ندارند. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت کسانی که کارهای کشاورزی جزئی را انجام می‌دهند و از خود زمینی ندارند، هنگامی که از روستاها و مزارع به شهرها مهاجرت می‌کنند، فرهنگ فقر بر زندگی آنان زودتر و بیشتر از کسانی چیره شود که هنگام مهاجرت از روستا فرهنگ و سنت‌های کهن و سامان یافته‌ای دارند. اندک بودن دستمزدها، نداشتن کار دائمی، کارکردن در مشاغل با درآمد بسیار پایین، بی‌چیزی، نداشتن پس‌انداز، نداشتن ذخیره غذایی در خانه و کمبود دائمی و مزمن پول نقد از جمله ویژگی‌های مرتبط با فرهنگ فقر است (ثریا ۱۳۵۳).

روش‌شناسی

روش مورد استفاده در این پژوهش روش پیمایش است و اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه همراه با مصاحبه جمع‌آوری شده است. بر این اساس پرسشنامه‌ای ساخت یافته و به همراه سؤالات باز و بسته تنظیم شد که ابتدا در یک مطالعه مقدماتی برای آزمون روایی^۱ آن و آگاهی از تناسب سؤالات مورد آزمون قرار گرفت. واحدهای تحلیل افرادی بودند که سه شرط ۱. مهاجر بودن (مهاجرت و اقامت بیش از یک ماه در تهران)، ۲. کارگر بودن (انجام کارهای یدی در جاهایی چون ساختمان‌های در حال احداث، کارگاه‌ها (مکانیکی، نجاری، خیاطی)، میداین میوه و تره‌بار، رستوران‌ها، نانوایی‌ها، فضاهای سبز و پارک‌ها و ۳. زندگی گروهی (همزیستی در خانوارهای دو نفره و بیشتر) را داشتند.

نمونه مورد بررسی ۶۰۰ نفر از کارگران مهاجر شهر تهران بوده است. حجم نمونه موردنظر به گونه‌ای انتخاب شده است که با تأمین حداکثر ضریب اطمینان و حداقل اشتباه استاندارد، مشکلات ناشی از افزایش حجم نمونه نیز به حداقل ممکن برسد. به این منظور، برحسب امکانات شهری و وضعیت اقتصادی-اجتماعی، شهر تهران به پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد و سپس موارد نمونه موردنظر به صورت تصادفی^۲ انتخاب شدند.

1. Validity

2. Accidental

در این پژوهش شاخص‌های مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است که برخی از آنها عبارت‌اند از: شاخص وضعیت سلامتی که معرف وضعیت عمومی سلامت جسمی و روحی افراد است. به این منظور با استفاده از سؤالاتی در مورد ارزیابی افراد از سلامتی خود شاخصی تحت عنوان وضعیت سلامت ساخته شد. این سؤالات به وضعیت سلامت افراد قبل و بعد از مهاجرت اشاره دارد. شاخص وضعیت بهداشتی که بازتاب وضعیت بهداشت فردی و محیطی است که فرد در آن زندگی می‌کند. شاخص امنیت شغلی و ثبات شغلی که به سنجش میزان امنیتی که فرد در شغل خود احساس می‌کند، میزان پایداری شغل کارگر و منابع حمایتی که کارگران در شرایط ویژه امکان استفاده از آن را دارند، می‌پردازد.

از دیگر شاخص‌های مورد بحث در این پژوهش می‌توان به رضایت شغلی و رضایت از زندگی نیز اشاره کرد. این شاخص‌ها نیز رضایت افراد از شغل خود را سنجیده و در نهایت رضایت فرد از زندگی و امیدواری نسبت به آینده را مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

یافته‌ها

نتایج مطالعه نشان می‌دهد که کارگران مهاجر شهر تهران به لحاظ سنی آسیب‌پذیرند. نزدیک به ۲۰ درصد کارگران مهاجر در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال و ۳۰ درصد هم در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال قرار دارند. علاوه بر این، ۳۰ درصد کارگران ۲۵ تا ۳۴ ساله‌اند و بقیه نیز در گروه‌های سنی ۳۵ به بالا قرار دارند.

کارگران مهاجر از نظر تحصیلات نسبت به همسالان خود در سطح پایین‌تری قرار دارند. اگرچه نسبت بالایی از آن‌ها (۷۸ درصد) باسواد هستند اما بیشتر آن‌ها از تحصیلات پایینی برخوردارند. حدود یک چهارم افراد تحصیلات ابتدایی، نیمی تحصیلات راهنمایی و دبیرستان و یک چهارم باقیمانده نیز دیپلم دارند. بنابراین، متوسط سواد کارگران از متوسط سواد همسالان در جامعه بسیار پایین‌تر است. قابل ذکر است که تقریباً ۳ درصد افراد، تحصیلات دانشگاهی دارند که بیشتر آن‌ها دارای مدرک کاردانی‌اند. حدود نیمی از کارگران مهاجر متأهل هستند و میانگین سن ازدواج در بین آنان ۲۲/۸۳ سال است که تقریباً ۳۰ درصد از این افراد قبل از ۲۰ سالگی ازدواج کرده‌اند.

وضعیت اقتصادی - اجتماعی کارگران مهاجر متأثر از وضعیت اقتصادی - اجتماعی والدین آن‌ها است. اکثر افراد دارای والدین بی‌سواد (۸۰ درصد پدران و ۸۹ درصد مادران) هستند. شغل پدر اکثریت افراد مهاجر، کارگری (۰/۵۵) است. ۲۲/۸ درصد پدر کشاورز، ۶/۲ درصد پدر کارمند و حدود ۴ درصد هم پدرانی با شغل مغازه‌داری و رانندگی دارند. به‌طور کلی، مطالعه

نشان می‌دهد که افراد از خانواده‌هایی با رده‌های شغلی پایین برخاسته‌اند و تحرک شغلی آن‌ها به صورت افقی است. از سوی دیگر کارگران مهاجر معمولاً متعلق به خانواده‌های پرجمعیت هستند. تنها ۲۵ درصد افراد در خانواده‌های ۶ نفری و یا کمتر زندگی می‌کنند. نیمی از آن‌ها در خانواده‌های ۷ تا ۹ نفری و بیش از یک چهارم افراد هم در خانواده‌های ۱۰ نفره و بیشتر سکونت دارند. مبدأ مهاجرتی افراد مورد مطالعه عموماً استان‌هایی با سطح توسعه پایین است. استان‌های کردستان، لرستان و زنجان به ترتیب با ۱۶/۵، ۱۶/۲ و ۱۰ درصد بیشترین سهم مهاجران را به خود اختصاص داده‌اند. خراسان شمالی و آذربایجان غربی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. به طور کلی درصد اندکی از کارگران از استان‌های با سطح توسعه بالا هستند. به عنوان مثال کارگر اصفهانی و یزدی در نمونه مورد مطالعه وجود ندارد. بررسی علت‌های مهاجرت نشان می‌دهد عامل اصلی مهاجرت، بیکاری در استان مبدأ بوده است. بنابراین استان‌های با میزان بیکاری بالاتر مبادی اصلی مهاجرت به شهر تهران هستند.

به لحاظ کیفیت زندگی نیز کارگران در وضعیت نامناسبی قرار دارند. امری که بیش از هر چیز دیگر کارگران را در وضعیت نامناسبی قرار می‌دهد، کیفیت زندگی آن‌ها در محیط‌های کارگری است. افراد معمولاً در گروه‌های چندنفره زندگی می‌کنند. ۱۳/۷ درصد افراد در گروه‌های ۱۶ نفر به بالا، ۱۰/۶ درصد در گروه‌های ۱۱ تا ۱۵ نفره، ۲۱ درصد در گروه‌های ۷ تا ۱۰ نفره و بقیه در گروه‌های زیر ۶ نفر زندگی می‌کنند. در ارتباط با دیدار با خانواده خود در مبدأ نیز کارگران به‌سختی قادر به ملاقات خانواده خود می‌شوند. در این ارتباط تفاوتی بین مجردین و متأهلین وجود ندارد. حدود ۳۵ درصد افراد هر دو ماه یک‌بار و ۲۴ درصد هم بین ۲ تا ۶ ماه یک بار با خانواده‌های خود در شهرستان دیدار داشته‌اند.

نکته‌ای که بسیار حائز اهمیت است عدم بهره‌مندی از خدمات بیمه اجتماعی است. نزدیک به ۸۲ درصد از کارگران مهاجر که عمدتاً در بخش غیررسمی مشغول به کارند، از هیچ‌گونه خدمات بیمه‌ای برخوردار نیستند و این در حالی است که منابع مالی کارگران در موارد اضطرار و پیش‌بینی نشده کافی نیست. زمانی که از کارگران درباره توان مالی ایشان در موارد بحرانی سؤال شد، ۶/۳ درصد از کارگران اظهار کردند فقط یک هفته می‌توانند بدون کار کردن معیشت‌شان را تأمین کنند. حدود ۲۰ درصد گفته‌اند بین ۲ تا ۳ هفته و ۴۴ درصد نیز اظهار کرده‌اند فقط تا یک ماه بدون تداوم کار امکان تأمین معاش‌شان را دارند.

از لحاظ وضعیت محل سکونت، بیش از ۴۰ درصد از کارگران در محل کار خود زندگی می‌کنند. حدود ۱۵ درصد افراد نیز در فضای باز، چادر و یا زیر پل‌ها استقرار دارند. در این سکونتگاه‌ها امکانات بهداشتی در دسترس نیست به طوری که تنها ۴۲ درصد افراد در محل

زندگی خود از حمام برخوردارند. ۱۵ درصد نیز عنوان کرده‌اند که از سرویس بهداشتی در محل زندگی خود محرومند.

همه شرایط فوق باعث شده است که افراد از نظر سلامتی در شرایط نامساعدی قرار گیرند به طوری که تنها یک چهارم افراد وضعیت سلامت خود را خوب ارزیابی کرده‌اند. این وضعیت رابطه مستقیمی با تغذیه افراد دارد. از این نظر اکثریت افراد مورد مطالعه در وضعیت نامناسبی قرار داشته‌اند.

به طور کلی احساس رضایت از زندگی و امیدواری نسبت به آینده در بین کارگران بسیار پایین است. بیش از ۷۰ درصد افراد رضایت پایینی از زندگی خود دارند و نسبت به آینده امیدوار نیستند. به علاوه، کارگران مهاجر اگر چه به دلایل روحی و سختی‌های شغلی تمایل زیادی برای بازگشت به شهرستان دارند، بسیاری از آن‌ها این امر را غیرممکن می‌دانند. به عبارت دیگر شرایط وخیم زندگی در تهران را به مشکلات ناشی از بیکاری در مبدأ ترجیح می‌دهند.

تحلیل استنباطی

در این بخش برخی از شاخص‌هایی که در روش‌شناسی به آن‌ها اشاره شد شامل امنیت شغلی، رضایت شغلی و رضایت از زندگی، وضعیت سلامتی و تمایل به بازگشت مورد بحث قرار گرفته است. در این ارتباط، چنان‌که گفته شد میزان امنیت شغلی در حد بسیار پایینی قرار دارد. اکثر کارگران به صورت کارگران یدی روزمزد هستند و امنیت شغلی در بین آنان بسیار پایین است. یکی از مواردی که خود به نبودن امنیت شغلی کارگران دامن می‌زند عدم وجود بیمه است. اکثریت قریب به اتفاق کارگران حتی در مواردی که طبق قانون کار می‌بایست دارای بیمه تأمین اجتماعی باشند، از این حق محروم بوده‌اند.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد مدت زمان مهاجرت رابطه معناداری با امنیت شغلی ندارد ($r = 0/007$) به عبارت دیگر، مهاجرانی که مدت بیشتری در تهران بوده‌اند لزوماً امنیت شغلی بالاتری ندارند. بین سن پاسخ‌گویان و امنیت شغلی نیز رابطه معناداری وجود ندارد ($r = 0/003$). در ارتباط با رضایت شغلی نیز می‌توان اذعان داشت که بین امنیت شغلی و رضایت شغلی رابطه معنادار و بالایی قرار دارد ($r = 0/521$). کارگرانی که امنیت شغلی بالایی دارند از رضایت شغلی بالاتری نیز برخوردارند. کارگران مشاغل فنی و حرفه‌ای رضایت شغلی بیشتری داشته‌اند. مدت زمان مهاجرت و سن افراد رابطه معناداری با رضایت شغلی ندارد. رضایت شغلی عامل مهمی در رضایت از زندگی است و کسانی که از شغل خود راضی هستند، احساس رضایت بالاتری از زندگی دارند.

وضعیت سلامتی کارگران نیز یکی از متغیرهایی است که در ارتباط با متغیرهای دیگر مورد بررسی قرار گرفته است. افرادی که از تغذیه بهتر و سالم تر برخوردار بوده اند، احساس سلامتی بیشتری داشته اند. رضایت شغلی نیز با ضریب همبستگی $0/238$ رابطه معنادار و مثبتی با احساس سلامتی دارد. به طور کلی کارگرانی که از وضعیت شغلی مناسب تری برخوردارند، وضعیت بهداشتی بهتر و در نتیجه احساس سلامتی بیشتری دارند.

رابطه بین مدت زمان مهاجرت به تهران و وضعیت سلامتی معکوس است. ضریب همبستگی بین دو متغیر مدت زمان اقامت در تهران و احساس سلامتی برابر با $0/123$ - است که در سطح $0/004$ معنادار و نشانگر این است که هرچه مدت زمان اقامت و کار در تهران افزایش یافته است، احساس سلامتی افراد کاهش پیدا کرده است. انسجام گروهی از جمله عواملی است که بر احساس سلامتی تأثیر مثبت داشته است ($r = 0/109$).

در ارتباط با تمایل به بازگشت گفته شد که اکثریت افراد تمایل زیادی دارند که هر چه زودتر به محل سکونت خود در مبدأ برگردند. کارگران اگر امکان کار در مبدأ را پیدا کنند، ترجیح می دهند که در شهرستان مبدأ خود زندگی کنند. از جمله مهم ترین متغیرهایی که با تمایل به بازگشت رابطه معکوسی داشته است امنیت شغلی و ثبات کاری کارگران است. امنیت شغلی رابطه منفی با تمایل به بازگشت دارد ($r = -0/131$). ثبات شغلی نیز همبستگی منفی را نشان می دهد ($r = -0/160$)؛ هر چه سطح امنیت شغلی و ثبات کاری افزایش یابد، تمایل به بازگشت کاهش می یابد. درآمد نیز یکی از تعیین کننده های تمایل به بازگشت است. ضریب همبستگی بین درآمد و تمایل به بازگشت $0/091$ - است که رابطه معناداری را نشان می دهد. بنابراین افرادی که درآمد بیشتر و وضعیت شغلی مناسب تری دارند، تمایل کمتری برای بازگشت به شهرستان مبدأ دارند.

بحث و نتیجه گیری

در این مطالعه تلاش شد با رویکردی ترکیبی برخی از ابعاد اساسی وضعیت اقتصادی - اجتماعی گروه های کارگری مهاجر که در بخش غیررسمی بازار کار اشتغال دارند، بررسی شود و ضرورت و اهمیت توجه دقیق تر به این گروه های مهاجرتی مورد تأکید قرار گیرد. بر این اساس، مطالعه حاضر با تأکید بر برخی نظریات مرتبط با موضوع مورد مطالعه تلاش کرد برخی برداشت ها و فرضیه ها را در زمینه مسئله تحقیق، مورد بررسی و آزمون قرار دهد. مطالعه نشان داد که گروه های کارگری، از نظر بسیاری از ویژگی های جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی، نسبتاً متجانس و همگن هستند. افراد مورد مطالعه از لحاظ اجتماعی و

اقتصادی عمدتاً از پایگاه اجتماعی پایینی برخوردارند و این پایگاه در بین آن‌ها باز تولید شده است. به عنوان مثال، تفاوت‌های معناداری بین سطح درآمد و وضعیت شغلی کارگران مهاجر و پدران آن‌ها یافت نشد و مهاجرت افراد تأثیری در تحرک اجتماعی عمودی آن‌ها نداشته است. علاوه بر این، مبدأ مهاجرتی افراد مورد مطالعه عمدتاً از استان‌های کمتر توسعه یافته است. این یافته‌ها تا حدود زیادی نظریه‌های فرهنگ فقر، بازار کار نخستین و دومین و نظریه نابرابری در کار را در مورد کارگران مهاجر فقیر روستایی در ایران تأیید می‌کند. بر اساس نظریه فرهنگ فقر و تله محرومیت، مهاجران فقیر روستایی در چرخه فقری گرفتارند که رهایی از آن برای آن‌ها بسیار مشکل است و برای اکثر مهاجران فقیر، مهاجرت نوعی انتقال از یک پایگاه اجتماعی پایین در روستا به پایگاه اجتماعی همچنان پایین در شهر است. این پایگاه توسط عوامل بیرونی و نیز به علت عدم حمایت کافی بخش‌های خصوصی و دولتی و هم‌چنین نوسانات اقتصادی تقویت می‌شود و تداوم می‌یابد.

مطالعه نشان داد که وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سلامتی افراد مورد مطالعه کاملاً متأثر از شرایط مهاجرتی و شغلی آن‌هاست. میزان امنیت شغلی و ثبات کاری افراد مورد مطالعه مهم‌ترین عامل در تعیین وضعیت تغذیه، احساس سلامتی، امیدواری به آینده و رضایت از زندگی شناخته شد. از سوی دیگر امنیت شغلی، ثبات کاری و نیز انسجام درون گروهی و میزان درآمد رابطه معنی‌داری با تمایل به بازگشت نشان داد.

در پایان باید بر این نکته تأکید کرد که مهاجران در بستر زندگی شهری از طیف‌های متفاوتی تشکیل شده‌اند که مطالعات کمی با تأکید صرف بر میزان‌ها و شاخص‌های کمی، نمی‌تواند زوایای عمیق این پدیده جمعیت‌شناختی را تبیین کند.

پیشنهادات

— با توجه به این‌که گروه کارگران مهاجر شاغل در بخش غیررسمی هنوز در بدنه نظام شهری جذب نشده‌اند و از سوی دیگر، به دلیل بی‌ثباتی در وضعیت اسکان و اشتغال، تمایل زیادی برای بازگشت دارند، بهتر است این گروه‌های مهاجرتی در اولویت سیاست‌های باز توزیع جمعیت قرار گیرند. دولت می‌تواند با استقرار کارگاه‌ها و صنایع کاربری، زمینه بازگشت این گروه از مهاجران را فراهم کند، در ضمن این سیاست می‌تواند در بهبود وضعیت سایر افراد شاغل در بخش‌های غیررسمی مؤثر باشد.

— به کارگیری کارگران مهاجر در بخش‌های غیررسمی اشتغال و عدم نظارت کافی دولت بر این بخش‌ها باعث شده است بسیاری از معیارهای حقوقی و قانونی کار و اشتغال برای این افراد

نادیده گرفته شود و در نتیجه آن‌ها در شرایط کاملاً آسیب‌پذیری قرار گیرند. لذا یکی از پیشنهادات این پژوهش، تدوین برنامه‌ای جامع توسط دولت جهت ساماندهی به وضعیت شاغلین بخش غیررسمی است.

– با توجه به این‌که بسیاری از معیارهای اساسی و مهم وضعیت سکونت، ایمنی در حین کار و بهداشت برای کارگران مهاجر شاغل در بخش غیررسمی توسط کارفرمایان نادیده گرفته می‌شود، لذا ایجاد الزام‌های قانونی جهت رعایت معیارهایی حداقل در زمینه‌های فوق الزامی و اساسی است.

منابع

- توکلی، نیره (۱۳۷۴) *جامعه‌شناسی صنعتی*، تهران، انتشارات پیام نور.
- ثریا، مهدی (۱۳۵۳) «فرهنگ فقر»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۴، تهران.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰) *مهاجرت*، تهران، انتشارات سمت.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) *انسان‌شناسی شهری*، تهران، نشر نی.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳) «آثار و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جوانان»، مجموعه مقالات همایش مسائل جمعیتی ایران با تأکید بر جوانان، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، صص (۳۱۵-۳۳۶).
- کوششی، مجید (۱۳۸۳) «نقش جوانان در جریان‌های مهاجرتی و عرضه نیروی کار استان تهران»، مجموعه مقالات همایش مسائل جمعیتی ایران با تأکید بر جوانان، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، صص (۳۳۷-۳۵۷).
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰) *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ناطق‌پور، جواد و منیژه مقصودی (۱۳۸۰) «بررسی علل مهاجرت و شرایط کار و زندگی عده‌ای از کارگران مهاجر فصلی در تهران»، تهران، مؤسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

Bentham, G. (1988) "Migration and Morbidity: Implications for Geographical Studies of Disease", *Soc Sci med*, vol 26: 49-54.

Caldwell, J. C. (1969) *African Rural Urban Migration; the Movement to Ghana's Towns*, New York, Columbia University Press.

Fei, G. (2005) "Rural Migrants and Shantytown Communities in Chinese cities", *XXV IUSSP Conference*, Tours, France.

Gil, C. J. & Woods. R. H. & Marrmam, S. k. (2000) "International Labor Markets and the Migration of Labor Forces as An Alternative Solution for Labor Shortages In the Hospitality", *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, vol. 12, 61-67.

- Anderson L. E. (2002) *Rural-Urban Migration in Bolivia, Advantage and Disadvantages*, Institute for Socio-Economic Research, Universidad Catolica Boliviana, Lapaz, Bolivia.
- Muhidin, S. (2005) "Migration Experience and Health Status in Indonesia: Life History Analysis Using IFLS Data", *XXV IUSSP Conference*, Tours, France.
- Wahyuni, E. S. (2005) "The Application of Household and Network Approaches to the Study of International Migration: Case Study in Jawa, Indonesia", *XXV IUSSP Conference*, Tours, France.